

## بررسی موانع و راهکارهای ازدواج آسان از منظر اسلام

فاطمه رضایی<sup>۱</sup>

چکیده

این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی، موانع و راهکارهای ازدواج آسان از منظر اسلام را بررسی می‌کند. پس از بیان و توضیح مفهوم نکاح، اهمیت و جایگاه ازدواج و اهداف آن بیان می‌شود که عبارت است از تشکیل خانواده، تکامل شخصیت انسان، افزایش رزق و روزی، ایجاد آرامش، حفظ عفت و افزایش ایمان. پس از بیان این موارد، انواع ازدواج از نظر نوع نیاز و حکم تکلیفی آن، موانع ازدواج آسان و راهکارهای آن مثل واسطه‌گری، رواج فساد و ازدواج نابهنگام بررسی می‌شود.

**واژگان کلیدی:** ازدواج، ازدواج آسان، اسلام، موانع، راهکارها.

### ۱. مقدمه

هیچ سازمانی محبوب‌تر از سازمان خانواده نزد خدای متعال نیست. ساختاری که با عشق و محبت بنیان شده و فراتر از التزام قانونی، عشق و فداکاری نفسانی، تحکیم آن را ضمانت می‌کند. بیش از یک سوم معارف حکمت عملی به تدبیر خانواده می‌پردازد که در مقیاس با تدبیر فرد و جامعه، جایگاه مهمی دارد. خانواده، کوچک‌ترین واحد جامعه است. از اجتماع خانواده‌های فرهیخته، جامعه فرزندانگن ساخته می‌شود. نهاد خانواده در جوامع بشری، همواره هدف مطالعه مکتب‌ها و ادیان الهی بوده است. رابطه اعتباری نسبی و سببی، در کانون خانواده قانونمند شده و سپس به سایر نزدیکان و بستگان می‌رسد.

مسائل حوزه خانواده از جهات گوناگون قابل بررسی است. برای مثال، گاه می‌توان به عوامل تحکیم‌کننده رابطه زوجین پرداخته و گاه می‌توان کارکرد ارتباط مؤثر در خانواده را بررسی کرد. یکی از اصلی‌ترین مباحث، ارائه راهکارهایی برای سهولت در امر ازدواج است؛ زیرا اگر این مهم محقق شود، سایر مسائل به دنبال آن مطرح می‌شود. در مورد بسیاری از مسائل مربوط به ابعاد خانواده، کتاب‌های جامع و کاملی نوشته شده، اما شاید بتوان گفت که رجوع به آنها با مشکل

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، از افغانستان.

همراه است. چون اغلب مسائل حوزه خانواده در علم روانشناسی مطرح می‌شود، بیشتر منابع، کتب نگارش یافته در غرب هستند. هر چند از منظر علمی، این کتاب‌ها جایگاه بالایی دارند، اما خالی از هر نوع مسائل دینی بوده و فقط برخی از مسائل اخلاقی را در نظر گرفته‌اند.

بیشتر کتبی که نویسندگان مسلمان نوشته‌اند به مسئله ازدواج به طور کلی پرداخته و اگر هم جزئی پرداخته باشند، آن جزئی را مفصل بیان کرده‌اند. همین امر باعث عدم رجوع به آن منابع می‌شود؛ زیرا عموم مخاطبان کتب حوزه خانواده، عوام مردم هستند که حوصله یا زمان مطالعات دقیق و علمی را ندارند. شاید بتوان گفت که در حوزه ارائه راهکار برای ازدواج آسان، هیچ نگارش منسجم و سازمان یافته‌ای وجود ندارد، بلکه به اهداف و وظایف زوجین پرداخته‌اند. به همین دلیل نگارنده در پی آن است تا با یافتن پاسخ سؤالات ذیل، راهکارها و دستورات دین را برای ازدواج آسان بیابد.

اقسام ازدواج کدام است؟

چه موانعی در مسیر ازدواج جوانان وجود دارد؟

دین اسلام چه راهکارهایی را برای رفع موانع ارائه داده است؟

## ۲. مفهوم شناسی

### ۲-۱. نکاح

ازدواج در لغت، یعنی جفت گرفتن، زن کردن، شوهر کردن، با یکدیگر جفت و قرین شدن، با هم جفت شدن. (معین، ۱۳۹۳، ص ۲۱۶) واژه دیگری که بر امر ازدواج دلالت دارد، واژه نکاح است که در لغت به معنای تقابل است و در اصطلاح به معنی رابطه حقوقی است که برای همیشه یا مدت معین، به وسیله عقد مخصوص بین زن و مرد حاصل شده و به آنها حق می‌دهد که از یکدیگر تمتع جنسی ببرند (مسعودی، ۱۳۹۷، ص ۲۵).

### ۳. اهمیت و جایگاه ازدواج

خداوند در نهاد انسان، گزینه‌ها و استعدادهایی را برای نگهداری، حفظ و تکامل او به ارمغان گذاشته است. یکی از این گزینه‌ها شهوت جنسی و تمایل دو جنس مخالف به یکدیگر است. اگر از این گزینه به نحو صحیح و در حد تعادل استفاده شود، انسان در مسیر تکامل خود گام برداشته و از نتایج سودمند آن بهره‌مند می‌شود، ولی اگر از حد تعادل خارج شده و از آن در غیر مسیری که فطرت و شریعت برای انسان تعیین کرده‌اند، استفاده شود، عواقب خطرناکی به دنبال خواهد

داشت؛ زیرا گزینه جنسی، یکی از نیرومندترین و سرکش‌ترین غرایز انسان بوده و به تنهایی با سایر غرایز برابری می‌کند. اسلام در جایگاه دینی که دستورات و قوانینش بر مبنای فطرت است، سعی کرده غرایز و نیروهای طبیعی بشر را در مسیر صحیح قرار دهد نه اینکه آنها را راکد نگه داشته و یا از کار انداخته و یا برخلاف جریان طبیعی و اصول فطری انسانی به کار برد. در این راستا برای کنترل گزینه جنسی و هدایت گرایش و کشش طبیعی میان زن و مرد، به ازدواج و پیوند مشروع زن و مرد، اهمیت ویژه‌ای داده است (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۴۳).

برای پی بردن به اهمیت و جایگاه یک موضوع، بیان اهداف آن ضروری است؛ زیرا بین میزان اهمیت و اهداف، رابطه متقابل و دو سویه وجود دارد. هر چه امری نزد شارع اهمیت بیشتری داشته باشد، منجر به تأمین اهداف والاتری در سطح فردی و اجتماعی می‌شود. بنابراین، برای دستیابی به اهمیت ازدواج، اهداف آن بررسی می‌شود.

### ۱-۳. تشکیل خانواده

یکی از اهداف اساسی ازدواج، تشکیل خانواده است. این هدف، بیان‌کننده این است که تمام انگیزه‌های ازدواج مانند پاسخ به نیازهای روحی و روانی، حفظ نوع بشر و تولید نسل سالم و پاک، باید در چارچوبی تعریف شده و در غالب کانونی به نام خانواده تحقق یابد. خانواده، کانون محبت، عاطفه و لطف است که با ازدواج پی‌ریزی می‌شود. ازدواجی که به تشکیل این کانون مهر و محبت نینجامد، شاید از دیدگاه عرفی و حقوقی ازدواجی صحیح باشد، اما ازدواجی مطلوب و مفید نیست؛ هر چند تولید مثل و برخی نیازها در آن تأمین شود. بدون تحقق این هدف، تحقق اهداف دیگر نیز ممکن نیست یا به صورت ناقص خواهد بود. برای مثال تأمین مودت و محبت، تنها از طریق پیمان ازدواج به دست می‌آید. (امینی، ۱۳۹۴، ص ۴۱)

### ۲-۳. تکامل شخصیت انسان

ازدواج، نوعی تکامل روانی و عاطفی را برای انسان به ارمغان می‌آورد؛ زیرا هیچ انسانی به تنهایی کامل نیست. به همین دلیل انسان، پیوسته برای جبران نقص و کمبود خود تلاش می‌کند. انسان با قرار گرفتن در کانون یک زندگی مشترک در سایه انس، مودت، محبت و روابط نزدیک و صمیمانه، مستقل شده و احساس مسئولیت بیشتری می‌کند، زندگی برایش هدف دار شده و از ثمرات کسب و کار و تلاش خود در خانواده نو بنیاد خویش بهره می‌گیرد. در زندگی زناشویی، زن و مرد از تشویق‌ها، حمایت‌ها، رهنمودها و کمک‌های یکدیگر بهره‌مند شده و در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی، از تعاون و همکاری‌های همسر خویش کمک می‌گیرند. (سالاری فر،

(۱۳۸۸، ص ۷۵)

ازدواج و پیوند زناشویی، باعث شده تا زوجین به باور انسان کامل شدن برسند. دختران وارد دنیای ولایت از طریق فرمانبرداری از همسر و وارد دنیای مدیریت بر احساسات، از طریق مادر شدن می‌شوند. در مقابل، پسران نیز منیت‌های کودکانه درون خود را فراموش کرده و با ولایت بر خانواده و تدبیر امور آنان، در مسیر تکامل گام برمی‌دارند. با استقرار چنین حالتی است که جامعه متشکل از خانواده، لحظه به لحظه به منتهای مقصد و هدف خود نزدیکتر شده و به لقاء الله می‌رسد.

### ۳-۳. افزایش رزق و روزی

یکی از مسائلی که ذهن جوانان را به خود مشغول کرده، مسئله افزایش درآمد است. گاه دیده می‌شود که بسیاری از آنان، از ترس فقر، تن به ازدواج نمی‌دهند، در حالیکه آموزه‌های اسلامی نه تنها مؤید این امر نیست، بلکه می‌فرماید: «روزی را به وسیله ازدواج کردن زیاد کنید». (عاملی، ۱۳۸۷، ۳/۸۷)؛ «هر کس ازدواج را از ترس نداری رها سازد، به خداوند گمان بد برده است» (عاملی، ۱۳۸۷، ۳/۹۳).

### ۳-۴. ایجاد آرامش

انسان، خواه مرد و خواه زن، از پاره‌ای جهات ناقص آفریده شده و جزء کامل‌کننده او، در جنس مخالف نهاده شده است. به همین دلیل زن و مرد هر دو به هم محتاج بوده و برای این نقص و نیاز به هم تمایل دارند؛ زیرا هر ناقصی، مشتاق کمال خویش است و هر محتاجی، در پی چیزی می‌رود که نیازش را پاسخ دهد. بنابراین، زن، مشتاق مرد است و مرد، مشتاق زن و چون به هم دست یابند، در کنار هم آرام می‌گیرند. (طباطبایی، ۱۳۶۷، ۸/۱۶۵)

قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا؛ و از نشانه‌های او (خداوند) آن است که برای شما از نفس‌تان زوج‌هایی آفریده است تا در کنار آنها به آرامش برسید». (روم: ۲۱)

آرامش، بستر کمال انسان است. زندگی اجتماعی، بدون سکون و آرامش قوام نمی‌گیرد. پیشرفت و پختگی علم و دانش و فناوری، در گرو آرامش انسان‌هاست. انسان برای پیشرفت، چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی، محتاج آرامش است و ازدواج این آرامش را به او هدیه می‌دهد. نتیجه آرامش، چیزی جز احساس خوشبختی نیست. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هر کس ازدواج کند، نیمی از خوشبختی به او داده شده است». (نوری، ۱۳۶۹، ۱۴/۱۵۴) زن شایسته،

از بهترین گنج‌ها برشمرده شده و هر زمان مرد به او بنگرد، او را شاد می‌کند و چون به او دستور دهد، زن از او اطاعت کند و زمانی که زوج از نزد زوجه غائب شود، زن مال او را حفظ کند (نوری، ۱۳۶۹، ۱۴/۱۶۲).

### ۳-۵. حفظ عفت و مصونیت از گناه

با ازدواج، گزینه جنسی که یکی از گرایش‌های نیرومند انسانی است، در مسیر طبیعی خود قرار گرفته و انسان از انحراف و گناه حفظ می‌شود. این گزینه، اگر درست هدایت شده و در مسیر واقعی و طبیعی قرار گرفت، نه تنها زیان بخش نیست، بلکه فواید فراوانی هم دارد، ولی اگر وسیله مشروع برایش فراهم نشد، ممکن است انسان را از مسیر طبیعی خارج کرده و به گناه و انحراف آلوده کند. تنها وسیله طبیعی و مشروع ارضای این گزینه، ازدواج و تشکیل خانواده است.

اگر انسان ازدواج کرده و وسیله مشروع ارضای گزینه جنسی را در اختیار داشته باشد، بعد از آن با نیروی ایمان می‌تواند عفت خود را نگه داشته و دامنش را از زنا، لواط، استمناء و نگاه کردن به نامحرم حفظ کند، اما برای کسی که ازدواج نکرده، تسلط بر نفس و کنترل گزینه جنسی بسیار دشوار است. بنابراین، ازدواج را می‌توان عامل مهم حفظ دین معرفی کرد. (امینی، ۱۳۹۴، ص ۲۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

ای گروه جوانان! هر که از شما توانایی جنسی دارد، باید ازدواج کند؛ زیرا ازدواج چشم را از حرام باز داشته و دامن انسان را پاک نگه می‌دارد و هر کس از شما ازدواج برایش میسر نیست، برای کنترل شهوت خود روزه بگیرد؛ زیرا روزه، خاصیت بازدارندگی از شهوت را دارد. (حلی، ۱۳۸۷، ۳/۴۱۳)

### ۳-۶. افزایش و ثبوت ایمان

هرگاه دختر و پسری در کانون خانواده قرار گرفته و به وظایف زناشویی بپردازند، از بسیاری از لغزش‌ها و انحرافات اعم از جنسی، اخلاقی، اعتقادی و... در امان می‌مانند.

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

هر جوانی در اوایل جوانی خود ازدواج کند، شیطانی که در کمین اغفال او بود به ناله در می‌آید و فریاد می‌زند ای وای! ای وای! این جوان دو ثلث دین خود را از نفوذ من حفظ کرد. بنابراین، برای حفظ ثلث دیگر دین خویش باید به خدا پناه ببرد. (راوندی کاشانی، ۱۳۷۶، ۱/۱۲)

در لسان روایات آمده است: «یک رکعت نمازی که ازدواج کرده می‌گزارد، بهتر از هفتاد رکعتی

است که عذب می‌گزارد». (فیض کاشانی، ۱۳۹۶، ۵۵ / ۳) حتی برخی، دیگر مردگان عذب را در زمره بدترین مردگان قرار داده‌اند.

### ۳-۷. تربیت نسل صالح

ثمره ازدواج انسان می‌تواند فرزند شایسته‌ای باشد که باعث سربلندی و افتخار او شود. قرآن کریم می‌فرماید:

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ. زنان شما مرکز بذر افشانی شما هستند. هر زمان که بخواهید می‌توانید با آنها آمیزش نمایید و سعی کنید از این فرصت طبیعی استفاده صحیح نموده و با تربیت فرزندان نیک، از پیش برای خود ذخیره بفرستید. (بقره: ۲۲۳)

جمله «قَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ»، این حقیقت را بیان می‌کند که زن، فقط وسیله ارضای شهوت نبوده و هدف نهایی آمیزش زن و مرد، تنها کامیابی و لذت جنسی نیست، بلکه از آن باید برای حفظ حیات بشر و ایجاد و پرورش فرزندان صالح، که ذخایر معنوی فردای انسان هستند، استفاده کرد. (طباطبایی، ۱۳۶۷، ۳۴۱/۲) خداوند متعال در قرآن کریم، یکی از اهداف آفریدن همسران را زیاد شدن تعداد افراد ذکر کرده است (ر.ک.، شوری: ۱۱).

### ۴. انواع ازدواج

ازدواج، همسر گرفتن مرد یا زن است که با عقد ازدواج محقق شده و از آن در باب نکاح و جهاد سخن رفته است. ازدواج، یا دائم است و یا متعه یا موقت؛ پایان نکاح دائم، مشروط به پایان مدت نیست، بلکه منوط به طلاق و... بوده و احکام خاص خود را دارد. متعه از متاع گرفته شده و متاع، چیزی است که تا زمانی از آن استفاده شود. تمتع نیز بهره بردن از چیزی است تا هنگامی که مدت و زمان آن به پایان برسد. منظور از متعه در ازدواج، مفید کردن ازدواج و نکاح است به وقت مشخص و با مهریه معلوم. اگر مدت این ازدواج مشخص نباشد، متعه باطل است، همچنین اگر مدت ازدواج و پایان آن ذکر نشود، ازدواج دائم منعقد می‌شود. (طیبسی، ۱۳۸۴، ص ۱۹)

#### ۴-۱. انواع ازدواج به حیث حکم تکلیفی آن

##### ۴-۱-۱. واجب

چنانچه شخصی خوف وقوع در گناه را به سبب ترک ازدواج داشته باشد، بروی واجب است تا ازدواج کند.

#### ۴-۱-۲. حرام

ازدواج‌هایی که توسط شارع نهی شده مانند ازدواج با محارم نسبی و ...

#### ۴-۱-۳. مکروه

ازدواج‌هایی که نهی شده، اما حرام نیستند مانند ازدواج با نازا، شرابخوار و ...

#### ۴-۱-۴. مستحب

ازدواج به خودی خود، برای تمام اشخاص مستحب است. (هاشمی شاهرودی و همکاران،

۱۳۸۷، ص ۳۶۴)

#### ۴-۲. انواع ازدواج از حیث نوع نیاز

##### ۴-۲-۱. ازدواج شهوی

ملاک در این ازدواج، هوی و هوس و جمال زن است. این نوع ازدواج‌ها، گاهی به جاهای خطرناک می‌رسد و چون اساس آن، زیبایی زن است، ممکن است مفاسد زیادی به بار آورد؛ زیرا مرد، به آنچه که می‌خواسته نرسیده و سرانجام به طلاق منتهی می‌شود. ضامن بقای رابطه زوجیت، دین و اخلاق بوده که در این ازدواج وجود ندارد و به جای آن، زیبایی را که امری زایلشدنی و ناپایدار است، مدنظر قرار داده است.

##### ۴-۲-۲. ازدواج تجاری

اگر شخصی برای مال و اموال با زنی ازدواج کند، بسیار ضرر کرده و نهایت دون همتی است که در سایه ثروت همسرش بخواهد زندگی کند. چنین مردی، ضعیف و ذلیل بوده، شکست خورده و اموال را از دست خواهد داد. ضرب‌المثلی به این موضوع اشاره دارد که مال باد آورده را باد هم می‌برد.

##### ۴-۲-۳. ازدواج مقامی

در جایی که دختری یا خانواده وی، مقام و منزلت اجتماعی داشته باشند، ممکن است همین موقعیت اجتماعی باعث گرایش به امر ازدواج شود. در این ازدواج، چون مرد در مقابل همسر و خانواده وی در جایگاه پایین‌تری قرار دارد، روز به روز ذلیل‌تر و حقیرتر می‌شود و پس از گذشت مدتی، این ازدواج هم منجر به شکست خواهد شد.

##### ۴-۲-۴. ازدواج سیاسی

امور و مصالح سیاسی، گاه منجر به ازدواج می‌شود. البته نمی‌توان گفت که تمام موارد این ازدواج منفی یا مثبت است. برای مثال بسیاری از ازدواج‌های پیامبر ﷺ جزو این دسته است.

#### ۴-۲-۵. ازدواج قومی و تعصب‌آمیز

بعضی از عقاید خرافی در امر ازدواج وجود دارد. برای مثال گفته می‌شود که دختر عمو و پسر عمو باید با هم ازدواج کنند؛ زیرا عقد دختر عمو و پسر عمو در آسمان‌ها بسته شده است. این ازدواج هم مشکلات زیادی را به دنبال دارد.

#### ۴-۲-۶. ازدواج انسانی

طرفین به مسائل مذهبی اهمیت نداده و صفات انسانی را مدنظر می‌گیرند.

#### ۴-۲-۷. ازدواج الهی

این ازدواج، هم جنبه انسانی دارد و هم جنبه دینی. به همین دلیل بهترین نوع ازدواج است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ۱۹/۲)

### ۵. موانع ازدواج آسان و راهکارهای مقابله با آن

دختر و پسر باید با شناخت کامل با یکدیگر ازدواج کنند؛ زیرا هر نوع سهل‌انگاری و تصمیم شتابزده در آینده، باعث بروز مشکلات متعدد و پشیمانی بسیار خواهد شد. لازم به ذکر است که دامنه این اشتباهات خانمان سوز، نه تنها متوجه خود شخص می‌شود، بلکه باعث از هم گسستگی و ایجاد خلل در جامعه نیز می‌شود.

#### ۵-۱. عدم لحاظ کیفیت

بسیار دیده شده که افراد هنگام ازدواج، خواهان ایجاد رابطه با شخصی بالاتر و یا پایین‌تر از خودشان هستند. چنین ازدواج‌هایی منجر به شکست می‌شود؛ زیرا پس از گذشت مدتی از ازدواج آن عشق و شور و هیجان اولیه از بین رفته و دیدگان در برابر عیوب یکدیگر باز شده و ناسازگاری‌ها شروع می‌شود. کم‌کم آتش اختلافات بیشتر و بیشتر شده تا اینکه منجر به طلاق و جدایی شود.

اگر زن و مرد در جهات معنوی مانند عدم توافق در اعتقادات و از جهات مادی مانند سطح تحصیلات، دارایی و سنی و... با یکدیگر فاصله بسیار داشته باشند، نمی‌توانند با یکدیگر روابط مورد نیاز در یک زندگی مشترک را برقرار کنند. خداوند در آیه ۲۲۱ سوره بقره، ازدواج فرد مؤمن با کافر را نهی کرده؛ زیرا در این حالت، شدت تأثیرپذیری زوجین از یکدیگر، امکان انحراف شخص مؤمن و ایجاد روحيات ناپسند وجود دارد.

ازدواج، پیوند روحی و قلبی دو همسر بوده و هدف از آن فراهم کردن محیطی صمیمی برای



رشد و شکوفایی زن و مرد و فرزندان آنهاست. در این صورت آیا ازدواج دو انسان، یکی مؤمن و دیگری بی ایمان، چنین پیوند و گرمی را به همراه خواهد داشت؟ آیا در یک خانه با دو طرز تفکر مختلف و با دوراه و روش و آیین زندگی جداگانه، می توان انتظار آرامش و تربیت انسان های شایسته و مؤمن را داشت؟ مشخص است که این ازدواج ها، یا به سست شدن تدریجی اعتقاد و ایمان می انجامد و یا به ناسازگاری و جدایی می رسد. (ر.ک.، ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۸۲)

رعایت کفویت و هماهنگی در آستانه ازدواج، باعث انجام ازدواج موفق می شود. باید میان زوجین، توافق فکری و تناسب روحی و اخلاقی وجود داشته باشد. همچنین از نظر فرهنگ خانوادگی و روحیات، همسطح یکدیگر باشند تا بتوانند به خوبی یکدیگر را درک کرده و کانون زندگی شان را گرم و پر رونق نگه دارند. رسول خدا ﷺ می فرماید: «به افراد هم سنگ و هم شأن خود از نظر ایمان و اصالت، زن بدهید و نیز با هم شأن خود ازدواج کنید». (راوندی، ۱۳۷۶، ۱/۱۹۰)

#### ۲-۵. عدم توجه به ملاک دیانت و امانت و اخلاق

ازدواج با شخص آلوده، گناهکار، بداخلاق و...، اگرچه آن شخص دارای موقعیت های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... باشد، باعث رنج و عذاب شده و مانع سیر و سلوک بندگی می شود. چنین ازدواجی، نه تنها سودی ندارد، بلکه مال و دارایی، وی را سرکش کرده و زیبایی، سبب هلاکت و نابودی وی می شود. مال دنیا در صورت وابستگی به آن، باعث غرور شده و شخص مغرور در برابر دیگری، حتی همسر خود، تواضع و حرف شنوی و اطاعت نخواهد داشت. زیبایی باعث کمین دیگران در وی شده و اگر فرد به لباس حیا ملبس نشده باشد، دچار هرزگی و بی بند و باری میشود. غوطه ور شدن در این حالات، از مصادیق هلاکت شخص است.  
در روایت آمده است:

مردی به حضرت علی علیه السلام گفت ای امیر مؤمنان! زن من با لباس های زیبا، خدمتگزاران و زیورآلات، مرا فریب داده و با مهریه زیاد و سنگینی با او ازدواج کردم و اکنون چیزی از آنها با او نیست! علی علیه السلام فرمود دست تو به چیزی بند نیست و حقی نداری. زن خواسته فقط خود را در اختیار تو بگذارد. آیا اگر به زن گفته بودی من یک صد هزار درهم دارم و با وجود آن با تو ازدواج می کنم او یک صد هزار درهم را از تو می گرفت؟ مرد گفت نه. (راوندی، ۱۳۷۶، ص ۲۷۶)

با توجه به روایت هر چند که چنین ازدواجی مانع بطلان عقد نمی شود، اما توجه به چنین اموری در پیش از ازدواج، وارد شدن آدمی را در مسیر نادرست و همراه با دل مردگی و افسردگی در پی دارد.

چنانچه در جامعه‌ای دیانت و امانت رعایت شود، سلامتی و پیشرفت آن جامعه نیز تضمین می‌شود. بنابراین، این دو عامل که باعث توانمندی مؤمنین است به عنوان دو ملاک در روایات در موضوع انتخاب همسر مطرح شده است. مردی نزد پیامبر ﷺ آمد تا درباره ازدواج با آن حضرت مشورت کند. پیامبر ﷺ به او فرمود: «آری ازدواج کن و بر تو باد به همسری که دین مدار باشد. خدا خیرت دهد!» (بروجردی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۷)

ایشان در بیان ارزشمند دیگری فرمود:

اگر کسی به خواستگاری بیاید که دینداری و امانتداری او موجب رضایت شماست، با او ازدواج کنید، اگر چنین نکنید فتنه و آشفتگی و فساد و تباهی بزرگی در جامعه به وجود می‌آید. (راوندی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۶)

### ۳-۵. عدم وساطت در ازدواج

از عواملی که مانع ازدواج است، عدم شناخت دختران و پسران نسبت به یکدیگر است. به عبارتی ممکن است دختر پاکدامن و عقیقه‌ای در خانواده‌ای غیرمذهبی و در مقابل، پسری متدین باشد که هر دو تمایل به ازدواج با شخص متدین و امانتدار را دارند، اما نسبت به وجود یکدیگر آگاه نیستند. در چنین شرایطی، وجود واسطه‌ها بسیار کارگشا خواهد بود، اما متأسفانه امروزه برخی از واسطه‌ها به دلیل بی‌اهمیتی به سرنوشت اطرافیان، ترس از عواقب و مشکلات و زحمات احتمالی آن، واسطه ازدواج نمی‌شوند.

در جامعه اسلامی، بیشترین مسئولیت بر عهده بزرگسالان اندیشمندان، الگوهای مطلوب و فهیم و مورد اعتماد است که بتوانند با ایفای نقش سترگ، حساس و پربرت خود مانند حلقه‌های رابط، زمینه‌آشنایی و شناخت متقابل دخترها و پسرهای آماده ازدواج و خانواده‌هایشان را فراهم کنند. فراهم کردن زمینه‌آشنایی و شناخت خانواده‌ها و جوانان در آستانه ازدواج، با نیت خیر و هدف مقدس زوجیت، توسط هر شخص مطمئن، دوران‌دیش، خیرخواه و مورد وثوق طرفین، امری بسیار مهم و ارزشمند و حیاتی است. این امر، باعث اعتلا و حفظ جامعه می‌شود.

در روایات آمده که بهترین واسطه‌ها، واسطه‌گری در امر ازدواج است.

هر کس در ازدواج زن و مردی تلاش کند، خداوند به تعداد هر مویی از بدنش شهری در بهشت به او کرامت می‌فرماید و پاداشش مانند کسی است که پیغمبری را خریده و در راه خدا آزاد کرده و اگر موقع رفتن به خانه خود از دنیا برود، در قیامت جزء شهیدان خواهد بود. (دیلمی، ۱۳۷۶،

#### ۴-۵. رواج فساد و بی بندوباری

دشمنان اسلام بر پایه میل و کشش جنسی در جوانان، ده‌ها برنامه برای ارضای نامشروع جنسی تدوین کرده و ارائه می‌دهند. این در حالی است که اساس توجه به این برنامه‌های فاسد، دور بودن اسباب مشروع ارضای جنسی از دست مردم به ویژه جوانان است و عوامل تشدیدکننده مانند سن بالای جوانان مجرد به خاطر تحصیل در مراکز آموزش عالی و کمبود امکانات برای ازدواج به خاطر تورم و فشارهای اقتصادی، مسیر ارضای جنسی مشروع را سخت‌تر و سخت‌تر کرده و انواع رسانه‌های دیداری و شنیداری، مورد فساد و فحشا قرار می‌گیرند و با کمترین هزینه، بیشترین ترویج فساد و منکر را در جامعه ارائه می‌دهند.

یکی از دلایل اصلی ممنوعیت آمیزش دو جنس موافق در اسلام، نابودی نسل بشر است؛ زیرا قانون آفرینش، جاذبه جنسی میان دو جنس مخالف را به عنوان عامل بقای انسان قرار داده و تغییر مسیر آن به سوی همجنس‌بازی و اکتفای زن به زن یا مرد به مرد یا استمناء و خوداکتفایی یا آمیزش با حیوانات، پشت‌کردن به فطرت اصیل انسانی و قوانین طبیعی حاکم بر آفرینش است. داستان قوم لوط که به انحراف جنسی و همجنس‌گرایی آلوده شده بودند و پایان دردناک زندگی آنها، می‌تواند تابلوی گویایی باشد برای کسانی که در منجلاب فساد غوطه‌ور شده و از راه‌های غیرمشروع، شهوت خود را ارضا می‌کنند. (دستغیب، ۱۳۹۶، ۲۲۲/۱)

چون مرد در مقابل غریزه، از زن ناتوان تر است، باید به زن اظهار نیاز کند و برای جلب رضای او اقداماتی کند که دادن هدیه به زن یکی از آنهاست. در واقع، سزاوار است تا مرد، برای برطرف کردن این نیاز، هزینه‌ای متحمل شود برای تولید نسل، سنگینی و بیماری مخصوص دوره بارداری، سختی زایمان و عوارض آن، شیردادن و پرستاری از کودک و ...

همه اینها از نیروی بدنی زن می‌کاهد. زن از نظر جسمی، مشابه و مساوی مرد آفریده نشده و توان رقابت با او را ندارد. تجمل و زینت، جزء زندگی زن و از احتیاجات اصلی اوست. بنابراین، میل به تفنن و تنوع و استهلاک ثروت در زن، بیشتر از مرد است در حالی که قدرت تحصیل ثروتش، کمتر از مرد بوده و باقی ماندن جمال و نشاط و غرور و زن بودن او، مستلزم آسایش بیشتر، تلاش کمتر و فراغ خاطر بیشتر است. زن، به الهام فطری دریافته که عزت و احترام او به این است که خود را رایگان در اختیار مرد قرار ندهد، بلکه با حیا و عفاف آن را حفظ کرده و با قدرت عجیب و مرموزی که طبیعت و خلقت در او تعبیه کرده، مردان را به دنبال خود کشانده و آنها را تا سر حد کشته شدن ببرد.

## ۵-۵. ازدواج نابهنگام

شاید بتوان گفت که برای ازدواج، نمی‌توان زمان خاصی را در نظر گرفت. به عبارتی، سن ازدواج هر شخص، مختص به خود وی است. چنانچه ازدواج از آن سن به تأخیر بیفتد، در شخصیت روحی و جسمی پسران و دختران اثر سوء می‌گذارد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

خداوند عزوجل هر آنچه که مورد نیاز بود به پیامبرش صلی الله علیه و آله آموخت. یکی از آن آموزش‌ها این است که روزی پیامبر خدا بر فراز منبر رفته و حمد و ثنای الهی گفتند. سپس فرمود ای مردم! جبرئیل علیه السلام از طرف خداوند لطیف و آگاه نزد من آمد و گفت دختران باکره بسان میوه بر درخت هستند که اگر میوه درخت برسد و چیده نشود، خورشید آن را فاسد و بادها آن را پراکنده می‌سازد. همینطور دختران بکر اگر به مرحله‌ای که زنان می‌رسند، برسند دوايي جز شوهرکردن ندارند وگرنه از فساد بر آنان امان نیست؛ زیرا آنان بشرند. (برجودی، ۱۳۸۸، ۱۱۵/۲۵)

ازدواج به هنگام برای هر شخص، متناسب با خود او تعریف می‌شود و زمانی که موعد آن فرا برسد، جوانان نباید به بهانه‌ای مانند ادامه تحصیلات، پیدا کردن شغل و... آن را به تأخیر بیندازند. بنا به فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله این کار موجب حفظ نشاط و شادابی در شخص شده و امید و انگیزه وی را برای تلاش بیشتر برای نیل به پیشرفت افزایش می‌دهد.

## ۵-۶. مشکلات مالی

تأمین هزینه‌های لازم برای ازدواج، اهمیت زیادی دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خوشبختی فرد مسلمان را در پرداختن هزینه ازدواج زنی بی‌شوهر می‌داند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۲۸/۵) بسیار خانه‌ها است که با نکاح و ازدواج به آبادانی نرسیده و یا پس از آبادانی با طلاق ویران شده است و اینها همه نتیجه سختی معیشت و امور دیگری شبیه به آن است. آیا ثروتمندان مسلمان از این مسئولیت خویش، برای فراهم کردن هزینه‌های ضروری ازدواج کسانی که از عهده آن بر نمی‌آیند، آگاهی دارند؟ چه شده که در برابر طاغوتان اقتصادی و متکاثران و مترفان و گرگ‌های بازار و نرخ‌گذاری و بازارهای سیاه و نیز در برابر کسانی که در سامان‌یابی امور دسیسه و تزویر می‌کنند، سکوت اختیار کرده‌اند؟ چرا در این فساد کبیر، کلمه‌ای از دهان ایشان بیرون نمی‌آید؟ چگونه راه را برای گروه‌های یاد شده باز می‌گذارند تا به احتکار و نرخ‌گذاری ساختگی و ایجاد تورم و مکیدن خون مردم دست یازند؟ در نتیجه توده مردم ناگزیر از آن باشند که برای زندگی خویش بهایی چندین برابر ارزش حقیقی کالای مصرفی پردازند و در نتیجه امر بر خانواده‌ها و جوانان آنها دشوار شود

و بدون همسر و خانه، باقی بمانند و گرفتار اوضاع و احوالی شوند که سبب فشارهای روحی و بی‌بند و باری‌های اخلاقی و سقوط‌های پیاپی می‌شود.

محفوظ ماندن دین انسان در گرو ازدواج است. بنابراین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «من تزوج فقد أحرز نصف دینه، فلیتق الله فی النصف الباقی؛ هر کس که ازدواج کند، نیمی از دینش را حفظ کرده است، پس باید در نصف دیگر تقوای خدا را پیشه کند». (متقی، ۱۴۱۹، ۴۴۴/۳)

این حدیث نیز از جمله احادیثی است که نقش هزینه‌های مادی زندگی را در حیات روحی آشکار می‌کند. در واقع بین میزان دیانت و عمل ازدواج، رابطه دو سویه وجود دارد. از سویی ازدواج مستلزم هزینه‌هایی است، پس واجب است که به نیازمندان کمک شود و وسایل تأمین هزینه‌های گوناگون ایشان فراهم شود تا بتوانند از دین خود، حراست کرده و متعهد به آن باشند و جامعه بتواند مدعی باشد که اسلامی است و حاکمیت اگر بگوید اسلامی است، بتوان پذیرفت (حکیمی، ۱۳۸۰، ۲۳۱/۶).

در واقع هر یک از زن و شوهر، باید از عالم رؤیا و پندار بیرون آمده و وضعیت و توان دیگری را در نظر گرفته و بر اساس آن، خواسته‌ها و انتظاراتشان را مطرح کرده و از طرح توقعاتی که در توان طرف مقابل نیست، دوری کنند.

امکانات و شرایط زندگی، چون برای همگان یکسان نیست، زن و مرد نباید به واسطه چشم و هم‌چشمی و حرکت به سوی تجمل‌پرستی، از چیزهایی که انسان را همیشه در حالت ناراضی‌تی نگه می‌دارد، نسبت به یکدیگر توقعات بیجا داشته باشند؛ زیرا این کار باعث رنج و ناراحتی طرفین شده و آرامش خانواده را مختل کرده و در برخی موارد، طرف مقابل را به انجام گناه و کارهای خلاف سوق می‌دهد.

ابو بصیر می‌گوید:

ابو عبد الله صادق علیه السلام مدتی دست بر پیشانی خویش نهاد، سپس سر برداشت و فرمود، خدا در اموال ثروتمندان نظر کرد و در پی آن، به فقیران نگریست. پس در اموال ثروتمندان سهمی برای فقیران قرار داد که برای زندگی آنان کافی باشد و اگر کفایت نمی‌کرد، بر مقدار آن می‌افزود. آری باید چندان به او بدهد که بتواند بخورد و بیاشامد و جامه بپوشد و ازدواج کند و در راه خدا صدقه دهد و به سفر حج برود. (حکیمی، ۱۳۸۰، ۱۸۲/۶)

پیامبر صلی الله علیه و آله به روایت امام صادق علیه السلام:

همسرا اختیار کنید و وسایل همسری دیگران را فراهم کنید و بدانید که از خوشبختی

فرد مسلمان، پرداختن هزینه ازدواج زن بی‌شوهر است. و هیچ چیز را خدای بزرگ در اسلام، بیش از خانه‌ای دوست ندارد که با ازدواج آبادان شود. (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۲۸/۵)

## ۶. نتیجه‌گیری

ازدواج، نوعی تکامل روانی و عاطفی را برای انسان به ارمغان می‌آورد؛ زیرا هیچ انسانی به تنهایی کامل نیست. به همین دلیل، پیوسته برای جبران نقص و کمبود خود تلاش می‌کند. انسان با قرار گرفتن در کانون زندگی مشترک، در سایه انس، مودت، محبت و روابط نزدیک و صمیمانه، مستقل شده و احساس مسئولیت بیشتری می‌کند. زندگی برایش هدفدار شده و از ثمرات کسب و کار و تلاش خود در خانواده نوبنیاد خویش بهره می‌گیرد. دختر و پسر که قصد ازدواج دارند، باید با شناخت کامل از یکدیگر و عوامل رهن در امر ازدواج، اقدام به شروع زندگی کنند؛ زیرا هر نوع سهل‌انگاری و تصمیم شتاب زده در آینده، باعث بروز مشکلات متعدد و پشیمانی بسیار خواهد شد. لازم به ذکر است که دامنه این اشتباهات خانمان سوز، نه تنها متوجه خود شخص می‌شود، بلکه باعث از هم گسستگی و ایجاد خلل در جامعه نیز می‌شود. از سوی دیگر، برخی عوامل باعث شده تا جوانان قبل از ورود به ازدواج، از تن دادن به این امر منصرف شوند که عبارت است از عدم لحاظ کفویت، عدم توجه به ملاک دیانت و امانت و اخلاق، عدم وساطت در ازدواج، رواج فساد و بی بند و باری، ازدواج نابه‌هنگام، مشکلات مالی و... که البته با ارائه راهکارهایی مثل انفاق به مستمندان در امر ازدواج، ازدواج به‌هنگام، جلوگیری از فساد، واسطه‌گری در ازدواج و... می‌توان تا حدودی مشکل ازدواج جوانان را حل کرد.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۹۰) انصاریان، حسین. تهران: آیین دانش.
۱. امینی، ابراهیم (۱۳۹۴). آیین همسرداری. تهران: انتشارات اسلامی.
۲. بروجردی، حسین (۱۳۸۸). جامع احادیث شیعه. مترجمان: تبار، اسماعیل، حسینی، احمدرضا، مهوری، محمدحسین. تهران: فرهنگ سبز.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). وسائل الشیعه. قم: الاسلامیه.
۴. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۷). تحریر الاحکام. قم: آل‌البیته (ع).<sup>۱</sup>
۵. حکیمی، محمد رضا (۱۳۸۰). الحیاه. قم: دلیل ما.
۶. دائرة المعارف طهور (۱۳۹۵). دائرة المعارف طهور. تهران: واحد تحقیقات موسسه فرهنگی هنری جام طهور.
۷. دستغیب، عبدالحسین (۱۳۹۶). گناهان کبیره. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. دیلمی، حسن ابن ابی الحسن (۱۳۷۶). ارشاد القلوب. تهران: رضی.
۹. رواندی کاشانی، فضل‌الله بن علی (۱۳۷۶). النوادر. تهران: الاسلامیه.
۱۰. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناختی خانواده. تهران: سروش.

۱۱. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۸). *بهداشت روانی یا نگرش بر منابع اسلامی*. تهران: سمت.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۷). *تفسیرالمیزان*. قم: بنیاد علمی فرهنگی.
۱۳. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۸۷). *مکارم الاخلاق*. مترجم: میرباقری، ابراهیم. تهران: فراهانی.
۱۴. طبسی، نجم الدین (۱۳۸۴). *ازدواج موقت*. مترجم: شیرازی، محمدحسین. قم: دلیل ما.
۱۵. فیض کاشانی، محسن (۱۳۹۶). *محجه البیضا فی تہذیب الاحیاء*. تهران: فرہوش.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *کافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیہ.
۱۷. متقی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۹). *کنز العمال فی سنن القوال و الافعال*. بیروت: دارالکتب العلمیہ.
۱۸. مطہری، مرتضی (۱۳۷۳). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: صدرا.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲). *کتاب النکاح*. قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب.
۲۰. مسعودی، عبدالہادی (۱۳۹۷). *فقہ الحدیث زکاربردهای اجتماعی، آداب معاشرت*. قم: دارالحدیث.
۲۱. معین، محمد (۱۳۷۷). *لغت نامہ*. تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۶۹). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسہ آل البیت علیہ السلام.
۲۳. ہاشمی شاہرودی، محمود و همکاران (۱۳۸۷). *فرہنگ فقہ مطابق مذهب اہل بیت علیہم السلام*. قم: مؤسسہ دایرہ المعارف فقہ اسلامی.